کرباس خاکستری

درباره کشف شاهکاری تازه از داوینچی
حافظه فلورانس

علیرضا امیرحاجبی

■ در آخریـن ماه‌های سـال پیش خبر پیدا شـدن یکی از آثار نقاشـی لئوناردو داوینچـی هنرمند نابغه دوران رنسـانس ایتالیا بار دیگر محافل هنری و به‌ویژه کارشناسـان هنر آنتیک ایتالیا و اروپا را دچار هیجان شـدیدی کرد و باعث حیرت هنردوستان شد. تابلوی «منجی جهان» که در سـال ۱۵۰۰ میلادی درسـت ۱۹سـال قبل از مرگ لئوناردو خلق شـده است برای چندین صد سـال مفقود بـوده و هیچ‌کس از هویت و محـل نگهداری آن مطلع نبود تا در نهایت به شـکلی اتفاقی در یک حراجی نیویورکی توسـط مجموعه‌دار خوش‌شانسی به نام رابرت سیمونز خریداری شد. تابلوی «منجـی جهان» در نهم نوامبر سـال ۲۰۱۱ میهمان گالری ملی لندن بود و سپس در موزه هنرهای معاصر بوسـتون به نمایش در آمد. این اثر نه‌چندان بزرگ در ابعاد ۶۵ در ۴۵، بازنمایی شگفت‌انگیزی است از عیسی مسـیح که به شکلی نمادین دست راسـت خود را به علامت بخشش و آمرزش بالا برده است. در دست چپ مسیح گویی بلورین که بی‌تردید نماد جهان است به نحو اعجاب‌آوری جای گرفته اسـت که نشان از اوج مهارت این هنرمند در بازنمایی دقیق چیزها دارد. چشـم‌های مسیح منجی به‌شدت غمناک و نگاهش به مخاطب و جهان آرام است. این اثر نشانگر اطمینان کامل هنرمند به خلق یک پرتره در وضعیت تمام‌رخ است که خلاف بسیاری از آثار داوینچی دچار بازبینی و اصلاحات ریز و درشت نشده. بدین معنی که تابلو در دو مرحله طراحی و سپس رنگ‌آمیزی و اجرا شده است.

نقاشی «منجی جهان» که مانند لبخند ژکوند روی یک صفحه چوبی نقاشی شده، بی‌تردید مهم‌ترین کشف هنری در صدسال گذشته محسوب می‌شود که می‌تواند بدون توجه به خیالپردازی‌های عده‌ای از کارشناسـان هنری وجوه تازه‌ای از هنر داوینچی و هنر رنسـانس را به مخاطب نشـان دهد. مطالعـات اولیه روی این تابلو چیزی حدود هشت ماه طول کشید و همچنان نیز ادامه دارد. با توجه به نوع طراحی پرتره، موقعیت مسیح که تنهایی و یکه بودنش را نشان می‌دهد و نیز جزییات و طراحی لباس به‌نظر می‌رسد «منجی جهان» در دوران اقامت هنرمند در شـهر فلورانس خلق شده. این تابلو شباهت‌های بسیاری به لبخند ژکوند دارد. شباهت‌ها تا حدی اسـت که چند نفر از کارشناسان اعلام کردند به احتمال زیاد این دو نقاشـی یا همزمان خلق شده‌اند یا به فاصله کوتاهی از هم. اما وضعیت روحی لئوناردو در

واپسین دهه‌های زندگی‌اش کارشناسان موزه متروپلیتن نیویورک را به این نتیجه رسانده که نقاشی مذکور پس از لبخند ژکوند خلق شـده است. در هر صورت این دو تابلو خواهر و برادر دو قلو هسـتند. همین موزه بود که پیشنهادی جالب و وسوسه‌برانگیز به سیمونز داد: خرید تابلو به قیمت ۲۰۰میلیـون دلار که با مخالفت وی و شرکایش مواجه شد. سیمونز اعلام کرد به هیچ عنوان قصد فروش «منجی جهان» را ندارد. حضور کارشناسان برجسـته‌ای چون مارتین کمپ از آکسـفورد، پیترو مارانی مدیر گروه پروژه ترمیم نقاشـی «شام آخر» در تحقیقات، بررسـی و ترمیم این تابلو نشـان از اهمیت فوق‌العاده آن دارد. گروه کارشناسی اعلام کرده که تابلو دچار لطماتی شده است. این آسیب‌ها به دلیل نگهداری نامناسـب، دست به دست گشتن‌های متعدد به وجود آمده اما به گفته سیمونز آسیب‌ها آنچنان جدی نیست. موضوع «منجی جهان» مورد استفاده بسیاری از نقاشان اروپایی از جمله آلربرشت دورر هنرمند گراوور ساز و نیز ژان وان آیک قرار گرفته است.

بنابر اسـناد موجود و تحقیقات چند هفته گذشته اولین صاحب نقاشی «منجی جهان» چارلز اول پادشاه انگلیس بوده و پس از اعدام وی در ۱۶۴۶ تابلو به پسرش چارلز دوم ارث می‌رسد. به گفته سیمونز در طول قرون ۱۸ و ۱۹ کسـی از محل نگهداری تابلو خبری نداشته تا اینکه سر فرانسیس کوک مجموعه‌دار بریتانیایی در ۱۸۹۴ تابلـو را به همراه آثار فرا آنجلیکو، فیلیپو لیپی، وان‌آیـک، بلاسـکز و رامبراند از یـک دلال خریداری می‌کند. شرح حال این مجموعه‌دار در مجله بارلینگتون مجله قدیمی هنرهای دکوراتیو آمده اسـت. در اواخر دهه ۴۰ میـلادی این تابلو به همراه سـایر آثار کوک به نمایـش درآمده و سـپس در ۱۹۵۸ سـر از کاتولوگ حراجی سـادبیز در می‌آورد اما با یک اشـتباه فاحش، خالق «منجی جهان»، جیوانی آنتونیو بولترا فیو نقاش برجسته رنسانس و هم‌دوره لئوناردو اعلام می‌شود!

حـال انحصار مالکیـت آثار لئوناردو که در دسـت فرانسوی‌ها و ایتالیایی‌ها بود شکسته شد. رویدادی که بر جهانی بودن هنر تاکید می‌ورزد. چه در موزه لوور چه در مترپلیتـن... تفاوتی ندارد هنر لئوناردو هنر بی‌مرز و متعلق به انسان است.

«کامبیز صبری»، مجسمه‌ساز در گفت‌وگو با «شرق»:
دنیا هنر ایران را می‌بیند

نگین نصیری

کامبیز صبری از هنرمندانی اسـت کـه نامش را در بیشـتر حراج‌های هنـری و نمایشـگاه‌های بین‌المللی می‌بینیم؛ هنرمند بی‌حاشـیه‌ای که با یک روند منطقی از فضای برون‌مرزی ایجادشده بهره می‌برد. با او در مورد تفاوت‌های برگزاری حراج کریستیز در خاورمیانه و اروپا و نگاه دنیا به هنر و هنرمند ایرانی صحبت کردیم. او در بخش دوم حراج کریسـتیز که فردا شب برپا می‌شود، با مجسـمه‌ای بدون عنوان شـرکت دارد. می‌گوید: سعی می‌کنم با قیمت‌گذاری مناسـب شانس حضور بیشتری داشته باشم. از تاثیر شور کودکانه در شکل‌گیری اثر هنری می‌گوید و اینکه وقتی بازار کاری گرم باشد، هنرمند برای کار دلگرم‌تـر اسـت و همچنان معتقد اسـت که حراج کریسـتیز تعیین‌کننده ارزش هنری کسی نیست؛ ولی اتفاقی باارزش است.

بخشـی از آثار شـما که در حراج هم خوب دیده شده‌اند مجموعه «تلویزیون»تان است، توضیحی در مورد این مجموعه می‌دهید؟

ایده این کار از زمانی شروع شد که من به نمایشگاهی با عنوان «رسـانه» دعوت شـده بـودم و ذهنم متوجه تلویزیون شد. موقعیت‌های مختلفش را مثل یک آرتیست بررسـی کردم و حاصل بررسی آن چنین موقعیتی بود که تلویزیون و انسـان‌ها در یک برخورد غافلگیرکننده و شـوک‌آور قرار بگیرند. و این به نظرم آمد که بهترینش است، عناصر مفهومی و بصری با هم آمیخته شدند.

رنـگ هم در آن نقش داشـت. به هر حال انسـان‌ها را از نژادهـای مختلف می‌دانم با رنگ‌های زرد، سـفید، قرمز یا نقره‌ای. مثل خیلی از انسـان‌ها در جهان هستی که انعکاس‌دهنده هسـتند و این ایده‌ها شـکل گرفت. بدنـه اصلی اینهـا تلویزیون توشـیبا مدل‌های قدیمی اسـت، چون فرم زیبایـی دارند. تلویزیـون و آدم‌ها را با فایبرگلاس قالب‌گیری کردم و بعد پوشش‌های مطلوبی که می‌خواستم روی آنها آوردم.

نظر شـما در زمینه ارزشی که در حراج‌ها برای اثر هنری قایل می‌شوند، چیست؟

ببینیـد، ارزش هر چیزی را بایـد در جایگاه خودش بررسی کرد؛ هر کسـی که نگاهی با تعصب و یک‌سویه به جریانی داشـته باشد، اشکالات آن را باید در خود فرد بررسی کند نه در آن پدیده. کشمکش‌های روحی‌ای که دارد و واکنش‌هایی که از سهم خود از آن پدیده می‌طلبد باعث خیلی حرف‌ها می‌شود واقعیت این است که افرادی که می‌خواهند هنر را خیلی معنوی جلوه بدهند، می‌بینیم که در طول تاریخ یا خودشـان اساسا هنرمند نیستند یا اینکه جریانات هنری مطلوب آنها نیست، پس سعی در تفسـیرش می‌کنند. واقعیت این اسـت که هنر جایگاه خلاقانه‌ای از ذهنیت بشـر اسـت و این سـرمایه‌گذاری می‌برد. شما بیشترین سرمایه‌گذاری‌های علمی بشر را در فرستادن سفینه‌ها به فضا می‌بینید، چون اینها بیشترین رویای بشر است و خلاقیت را آنجا به کار می‌گیرد، چون می‌خواهد از دنیای خودمان خارج شود و به فضا برود. هنر هم همیشه مدیون سـرمایه‌گذاری بوده است. این هیچ معنای بدی ندارد و هنرمند باید از آن استفاده بجا کند. تجربه حراج کریسـتیز یا هر حراج دیگری هم به نظرم چنین تجربه‌ای است: نه تعیین‌کننده ارزش هنری کسی است و نه چیز کم‌ارزشی است.

در جایگاه خودش ارزش دارد و می‌تواند باعث اتفاقات خوبی شود. وقتی بازار چیزی گرم است دلت گرم می‌شود که کار کنی، اگر نباشد شور زیادی برای کار کردن نداری و می‌شـود ریاضـت. در ریاضت هم شـادی، خلاقیت و شور کودکانه نیست، چون هنر از جایگاه کودک طبیعی انسـان است و نمی‌شود که کودکت را با ریاضت یک جا بنشانی و از او توقع داشته باشی که شاد باشد. اینها همه تاییدیه‌هایی در جهان هسـتی هسـتند که به ما کمک می‌کننـد کارمان را بهتر انجام دهیم، ولی بند و بنده آن شدن چاله جدیدی برای انسان است؛ چون می‌شکند، با موفقیت آن بالا می‌رود و اگر شکست بخورد شخصیتش هم می‌شکند.

باید آن را در جایگاه خودش دید. حراج‌ها یک جریان اسـت، مثل اینکه بخواهید اسـکار را از سینما بگیرید، سینما آسیب می‌خورد ولی معنی‌اش آن نیست که اسکار تعیین‌کننده همه چیز است، یک جریان پرشـور اسـت که آدم‌ها می‌آینـد و عـده‌ای آن را دنبال می‌کنند و سـرمایه‌هایی را برای عده‌ای مـی‌آورد، ولی معنی‌اش آن نیسـت که هنرپیشه باارزش دیگری در دنیا وجـود ندارد. در کار ما هم همین‌طور است. رفتن به حراج‌ها و در بورس بودن، برای هنرمند معاصر یک موفقیت است و اگر هنرمندی قدرتمند کار کند، خواه‌ناخواه پای او به این حراج‌ها باز می‌شـود، اگر خودش هم این کار را نکند، کارش طرفدار پیدا می‌کند و پایش به حراج‌ها باز می‌شود و وارد بازار سرمایه‌گذاری هنر می‌شود، بنابراین نگاه به حراج، یک نگاه نسبی است.

آیـا حراج‌ها درگیـر بازی‌هـای سـرمایه‌گذارها نمی‌شوند؟ بر فرض آقای وزیری مقدم می‌گوید: «من وارد این بازی‌ها نمی‌شـوم، که گالری‌دار به من بگوید اگر ایـن کار را بکنی، کارت را وارد حراج می‌کنم.» به نظر شما این بازی‌ها هست؟

البته این مسایل حرکت‌های نادرستی است که پیش می‌آید. من این حرف را تایید می‌کنم که وقتی پای پول در میان باشـد، این بازی‌ها شـکل می‌گیرد. ولی گاهی اوقات ما حرکات انسان‌ها را غیراخلاقی توصیف می‌کنیم در حالی که آنها دارند رفتار طبیعی خودشـان را نشـان می‌دهند. مثلا وقتی وارد یک بازار بورس می‌شـویم این بی‌جاسـت که در مورد آدم‌ها قضاوت کنیم که چرا داد می‌زنند یا سریع این طرف و آن طرف می‌روند. برای اینکه کارشان این است و ما باید این را درک کنیم. اگر روش و منش ما در برخورد با یک پدیده، چیز به خصوصی است باید آن را انجام بدهیم. من اشتباه می‌دانم که با اعتقادات خودمان بخواهیم همه‌چیز را تفسیر کنیم، ما می‌توانیم راه خودمان را انتخاب کنیم، ولی نمی‌توانیم بگوییم آدم‌هایی که در یک جریان هستند همه آدم‌های نادرستی هستند. انسان در زندگی‌اش همیشه در حال شطرنج بازی است. این یک واقعیت است.

صبح که از خواب بیدار می‌شـوید، شما یک حرکت انجام می‌دهید و زندگـی در مقابلش یک حرکت دیگر و به این صورت بازی خوشـایند زندگی را برای خودتان پیش می‌برید. طبیعی اسـت که انسـان وقتی سـنش بالاتر می‌رود، حساس‌تر می‌شود و تجربه تاریخی‌اش هم بیشتر می‌شود و به هر حال طبیعی است که رنجش‌های بیشتری داشته باشد. اظهار نظری که آقای وزیری مقدم می‌کنند با پشـتوانه سال‌ها کار هنری شدید است؛ ولی ما حتی به همین هم باید نسـبی نگاه کنیم. وقتی یک پیـر دیر حرفی می‌زند باید بدانیـم که هم حرف‌های او دارای واقعیت‌هایی اسـت و هم ذهن حساس و پرتنش او از گذشـته ممکن است چیزهایی را بیاورد که فقط در مورد او صدق کند.

در حراج‌ها معمولا یا مجموعه‌داران و گالری‌داران آثار هنـری را وارد حراج می‌کنند یا خود هنرمندان. از نظر شما این دو روند چه تفاوت‌هایی با هم دارد؟

هنرمند بیشتر متوجه کار هنری خودش است و بهتر اسـت که تمرکزش به کار خودش باشد. کارهایی هست که در تخصص افراد دیگر اسـت و طبیعی اسـت که در جهان معاصر، برای جزء جزء یک کار افراد مختلفی وقت بگذارند که بتوانند با تخصص آن را انجام بدهند. در زمینه فروش اثر هنری هم همین اسـت، کسـی که این کار را می‌خواهد انجام بدهد باید تخصص‌های زیادی داشـته باشد. مثل آشـنایی به زبان‌های مختلف، داشتن روابط کاری و اجتماعی قدرتمند، آشـنا بودن به قیمت‌گذاری آثار هنری و آشـنا بودن با مخاطبـان و مجموعه‌داران و دانستن سلیقه آنها، آشنا بودن با حراج‌های مختلف دنیا و دانسـتن سلیقه آنها و سـفر به نقاط مختلف دنیا و در جریان فستیوال‌ها و حرکت‌های هنری بودن. اگـر بخواهیم همه اینها را به زندگی یک آرتیسـت، مخصوصـا در دهـه پرفعالیـت کاری‌اش وارد کنیم، ممکن است که دیگر فرصت انجام کار هنری را نداشته باشد. ولی وقتی کسی برای این کارهـا وقت می‌گذارد، ارزش دارد کـه بـا او وارد ارتباط شد مثل یک مجموعه‌دار خوب، یک گالری‌دار خوب یا یک مدیر هنری یا موزه خوب. و وقتی یک نفر در یـک رابطه با تو همکاری می‌کند، باید رابطه برنده ـ برنده باشد. بنابراین در دفعات اول خیلی بهتر است که یک نفر متخصص روی اثر شما کار کند ولی ممکن اسـت زمانی مارکتینگ و فروش اثر شـما آنقدر روی بورس باشد که در هر حال خواهان کار شما باشد و در این جریان سود بیشتری هم نصیب شما خواهد شد. ولی من شخصا چنین پیشنهادی نمی‌کنم، چه اشکالی دارد که کسانی بخواهند کار شما را گسترش دهند و برای شـما امتیاز جمع کنند؟ آنقدر از شما نیرو گرفته می‌شود که برای کار هنری نیرویی نمی‌ماند.

فکر می‌کنید در حال حاضر نگاه دنیا به هنر ایرانی چگونه است؟

خیلـی نکته ظریفی اسـت. در درجـه اول باید نگاه کنیـم که کارهای هنـری معاصر از چه سرچشـمه‌ای تغذیه می‌کنند. به نظر می‌رسد که برای هنر معاصر یک چیزهایی مهم است، مثل حرکت‌های اجتماعی و سیاسی و انقلاب‌ها یا نوسانات پی‌درپی اجتماعی که ما در ایران همه اینها را تجربه کردیم و در حال تجربه کردن هستیم. فـرق انقلاب ایران هم این بود که ادامه آن تابع تحولات شدیدی مثل هشت سال جنگ تحمیلی بود، جنگی که بخشـی از مملکت ما را کلا نابود کرد. بعد از آن شـاهد شرایط تازه‌ای بودیم.

جهت دیگر، تحولاتی است که در ایران بین سال‌های ۷۵ تـا ۸۵ رخ داد و تحـولات بزرگـی بود. شـاهد یک سـرمایه‌گذاری گسـترده از طرف بخش دولتی بودیم، مثل نمایشـگاه‌هایی که در موزه هنرهای معاصر برگزار شـد، اعزام هنرمندان به نمایشـگاه‌ها و بی‌ینال‌ها. اینها دانشـجویان و هنرمندان را تحریک کرد و باعث شد که هم موضوع وجود داشـته باشـد و هم کسـانی که پول دارند در این بخش‌ها سرمایه‌گذاری کنند. بخشی از این سرمایه‌داران حتی به کشورهای همسایه رفتند و ظهور اینها توجـه حراج‌های هنری و مجموعه‌داران را به ایران جلـب کرد. وقتی صدای این چکش‌ها درآمد، مردم دنیا نگاه کردند که ایران را ببینند.

بـا اینکه هنر ایـران طرفداران زیـادی دارد، ولی پیش‌بینی‌هـا در مـورد رکـورددارن، اشـتباه از آب درمی‌آینـد و وقتی همه توقع دارنـد تا یک هنرمند فـروش خوبـی داشـته باشـد، حتـی یک اثـر هم نمی‌فروشد! این به دلیل بازی‌های این حراج است؟

بله، بـه نظرم تـا بخش زیـادی درگیـر بازی‌های سرمایه‌ای حراج است. به جز آن اگر سیر یک کار منطقی نباشد همیشه می‌توان شـاهد اتفاقات عجیب برای آن بود. بازار کریستیز در خاورمیانه بازار جوان و کم‌تجربه‌ای است و تابع مسایل احساسی و غیرمنطقی هم می‌شود. ولی در بازارهای با سابقه‌تر در دنیا رفتارهای منطقی‌تری می‌شود دید.

حس کودکانه و جاه‌طلبی انسـان‌ها به خطا، تمایل بـه افزایش بی‌رویـه آثارشـان دارد. در صورتی که باید توجه داشـت مثل هر اقتصادی اگر این رشدها منطقی نباشـد، امتیاز منفی اسـت. ارزش هنر از نظر فکری که هنرمند برای خلق اثری هنری می‌گذارد، بالاسـت، ولی از نظـر تولید ارزان تمام می‌شـود و ارزش افزوده بالایی دارد. شـاید یک مجسـمه ۱۰ میلیون هزینه ببرد ولی یک میلیارد قیمت‌گذاری شود. کجا شاهد چنین ارزش افزوده‌ای هستید؟ بنابراین هنرمند باید متوجه باشد اگر کار بیشتری ولی با سود منطقی بفروشد، بهتر است. خود هنرمند باید مواظب باشد که افزایش ناگهانی قیمت اثرش او را بعدا سـرخورده نکند. او باید یک روند صحیح را پی بگیرد.

شـما به جز حراج کریسـتیز در دوبی، امسال در حراج کشورهای دیگر هم حضور داشتید؟ چه فرقی در کشورهای مختلف دیدید؟

سال گذشـته در حراج کریستیز پاریس هم شرکت داشتم که چهارم نوامبر برگزار شد. در مارس ۲۰۱۱ هم دو عدد از کارهایم در آرت پاریس فروش رفت. همچنین در نمایشـگاهی در دوبی چهارتا از کارهایم فروش رفت. چون تجربه زیادی در ایـن مورد ندارم، نمی‌توانم دقیق اظهار نظر کنم. با این حال تفاوتی که من در پاریس و کلا در اروپا دیدم در تفاوت نوع زندگی آدم‌ها با ما است. آنها جریانات زندگی‌شان را جور دیگری تنظیم می‌کنند. مثلا در فرانسـه مجموعه‌داری که می‌خواست کارهای من را بخرد من را به منزلش دعوت کرد و دوست داشت با خود من دوسـت شـود و حرف بزند. یکی از مجموعه‌دارهای فرانسـوی که به ایران و منزل ما آمد، دوسـت داشت تا خودم نظر بدهم که کار در کجای خانه‌اش نصب شـود. احساس کردم برخوردهای فرهنگی‌تری صورت می‌گیرد. علاوه بر این حسابگر هستند و با مطالعه بیشتری خرید می‌کنند.

خبر

اولین حراج آنلاین آثار هنری در گالری سیحون

■ شرق: اولین حراج آنلاین آثار هنری در ایران از سوی گالری سـیحون در سایت اصلی این گالری برپا می‌شود. شـروین پاشایی از دست‌اندرکاران این حراج ضمن اعلام خبر برپایی حراج مزبور با اعلام اینکه حراج گالری سیحون بـه زودی در فضای وب از طریق سـایت حراج راه‌اندازی خواهد شـد، گفت: «آکشـن (حراج) آنلاین سیحون در ادامه هدف ۴۶ساله گالری، تلاشی خواهد بود برای ایجاد فرهنـگ سـالم در فضای هنرهای تجسـمی و به ثبات رسـاندن امنیت شغلی هنرمند برای ادامه کارش.» او در مورد هنرمندانی که در این حراج آثارشان ارایه می‌شود، گفت: «از هنرمندانی که آثارشان در اولین آکشن آنلاین سیحون خواهد بود، می‌توانم به هوشنگ سیحون، حسین کاظمی، بهمن محصص، هوشنگ پزشک‌نیا، فرامرز پیلارام و بهرام دبیری اشاره کنم.» پاشایی، هدف از راه‌اندازی این آکشن را ایجاد فضای معرفی برنامه‌ریزی شده و صحیح آثار تجسـمی هنرمندان ایران به جامعه جهانی دانست. او در ادامـه گفت: «توانسـته‌ایم با ایجاد ارتباطات جدید با بخش‌هـای اقتصادی هنر در فضـای اقتصادی جهان مسیری را در پیش بگیریم که نتیجه آن از طرفی معرفی هنرمندان ایران باشد و از طرفی بتوانیم هنرمندان ایران را از لحاظ فروش آثارشـان حمایت کنیم.» به گفته این نقاش، از لحاظ ورود آثار به حراج آنلاین گالری، سیحون قوانین مشخصی رعایت می‌شود و آثاری به آکشن راه پیدا خواهند کرد کـه در فضای حرفه‌ای قابل ارایه و حداکثر رتبه‌های مد نظر استاندارد آکشن را داشته باشند. او ابراز امیدواری کـرد در زمان‌های معین و کوتاه‌مدت اخباری در اختیار هنرمندان تجسمی و علاقه‌مندان به هنرهای تجسمی قرار گیرد تا هم به‌صورت مستقیم از روند حراج باخبر باشند و هم با برنامه‌های بعدی، آشنا شوند.

نمایشگاه شهریور در بهار

■ عصر جمعـه اول اردیبهشـت ۹۱، مجموعـه تازه نقاشـی‌های بیتا وکیلی، بـا عنوان «شـهریور» بر روی دیـوار گالـری ماه مهـر خواهـد رفت. این ششـمین نمایشگاه انفرادی وکیلی محسـوب می‌شود که در بازار هنر خاورمیانه با نقاشـی‌های آبسـته‌اش، فضایی خاص برای خود مهیا کرده اسـت و با چهـار بار حضور پیاپی موفقیت‌آمیز در حراج کریستیز و کسب رکورد فروش ۳۵ هـزار دلاری در اکتبر ۲۰۱۱ و نیز فروش تمامی آثارش در افتتاحیه نمایشـگاهش در سـال‌های ۸۸ و ۸۹ (در همین گالری ماه مهر) نگاه‌ها را به خود جلب کرده است. مجموعه تازه نقاشـی‌های وی، ردی محسوس و آشکار از تغییرات در فضای انتزاعی وکیلی را مشهود می‌کند.

جدول ۱۴۸۱

افقی:
۱- از صحابـه پیامبـر(ص)- در آوردنـی روزگار- شـگرد ۲- سـرطان خـون- یاقـوت- سـتایش ۳- ایـوان- کشـوری عربـی- زبانه آتش ۴- حیـوان وفادار- هـر ۱۲ ماه یک‌بار- شـهر صنعتی ۵- اسـلوب- گریه و زاری- از علایم نگارشـی ۶- جود و بخشش- پایتخت لیبی- دیـوار بلند ۷- بی‌عار- طواف‌کننده- برابر ومسـاوی ۸- جزیـره ایرانـی اسـتان هرمـزگان- اندوهناک ۹- پوستین- کتابی از «گرهارت یوهان هاو پتمان»- امر به نواختـن ۱۰- بدهی- جهانگـرد- نصف آجر ۱۱- قـدرت، توانایـی- کرگـدن- چیـن و چروک پوسـت ۱۲- جدید و امروزی- سماوی- ورزش مادر ۱۳- کلمه‌ای برای تاکید- دروازه بان- شـهر کرمان ۱۴- آداب و رسوم- یکی از آلات موسیقی شبیه سرنا- تاریخ نویس صادق ۱۵- دهن‌کجی- صادق- کنایه از مراحل سیر و سلوک عارف تا رسیدن به کمال

عمودی:
۱۱- کاخ فرانسه- شـهری در مغولستان- بسیار زیاد ۲- شـامه نواز- لحم- جزیره استرالیایی ۳- میان- بخت و اقبال- دیندار ۴- خادم کلیسـا- آشـکارکننده- غبار یا خاک نرم ۵- آهو- از شهرهای غربی- فرمانده بدن ۶- گل ساختمانی- بیهوده- خوشگل ترکی ۷- ضمیر عربی- تور کاهکشـی- کشـیدن- از حروف مقطعه قرآن ۸- اشاره جمع به نزدیک- محل زایر ۹- از بستنی‌ها- مرغابی- باد ملایـم- راه میانبـر ۱۰- جمـع منت‌ها- همین حالا- خرمافروش ۱۱- نام ترکی- گاز تنفسـی- توبه کردن ۱۲- نوعی یقه- جمع فن- نوعی اسـباب بازی ۱۳- افسـردگی- بـرادر مـادر- آزاد ۱۴- از خـود گذشـتگی- گوهری سـبز رنگ- اندازه ۱۵- از علوم عربی- طبق دستور پزشک مصرف کنید- ایالت آمریکا

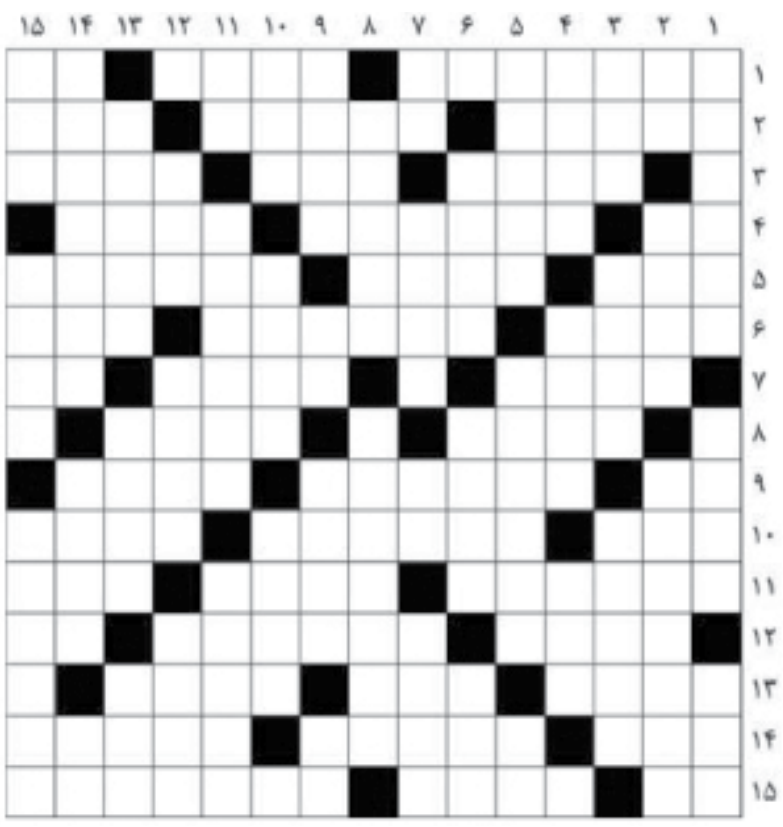

حل جدول ۱۴۸۰

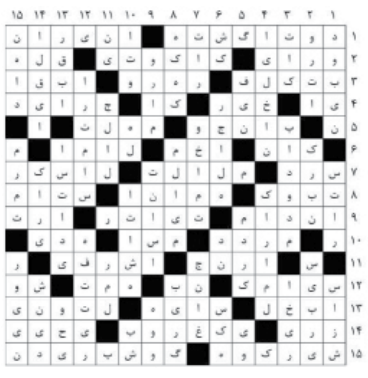

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۴۸۴

۴	۸	۳	۱	۷	۲	۵	۶	۹
۷	۹	۶	۸	۵	۳	۱	۴	۲
۱	۲	۵	۴	۹	۶	۳	۷	۸
۶	۱	۲	۳	۸	۴	۷	۹	۵
۳	۵	۷	۹	۶	۱	۲	۸	۴
۸	۴	۹	۷	۲	۵	۶	۳	۱
۵	۷	۴	۶	۱	۹	۸	۲	۳
۲	۳	۸	۵	۴	۷	۹	۱	۶
۹	۶	۱	۲	۳	۸	۴	۵	۷

حل سودوکو ۴۸۳

۶	۸	۴	۳	۱	۷	۹	۵	۲
۵	۳	۱	۲	۹	۶	۸	۴	۷
۷	۲	۹	۸	۵	۴	۱	۳	۶
۴	۱	۳	۹	۶	۸	۷	۲	۵
۸	۵	۶	۷	۲	۳	۴	۹	۱
۹	۷	۲	۴	۱	۵	۶	۸	۳
۳	۴	۸	۵	۷	۹	۲	۱	۶
۱	۹	۵	۶	۳	۲	۱۰	۷	۴
۲	۶	۷	۱	۴	۱۰	۳	۵	۹

سودوکو سخت ۱۳۳

	۳			۶	۸			
۴					۵			
۶	۹			۷		۸		
					۷	۴	۹	۱
			۸				۵	۱
۵	۷					۲		
۱				۵	۳			
		۷		۴	۱	۳		
						۹	۱	۴

حل سودوکو سخت

۴	۳	۱	۶	۵	۸	۷	۹	۲
۸	۵	۲	۹	۷	۱	۳	۶	۴
۹	۷	۶	۳	۲	۴	۵	۸	۱
۳	۸	۵	۴	۹	۷	۱	۲	۶
۱	۶	۴	۸	۳	۲	۹	۵	۷
۲	۹	۷	۱	۶	۵	۴	۳	۸
۶	۴	۸	۵	۱	۹	۲	۷	۳
۵	۲	۹	۷	۴	۳	۸	۱	۶
۷	۱	۳	۲	۸	۶	۷	۴	۵